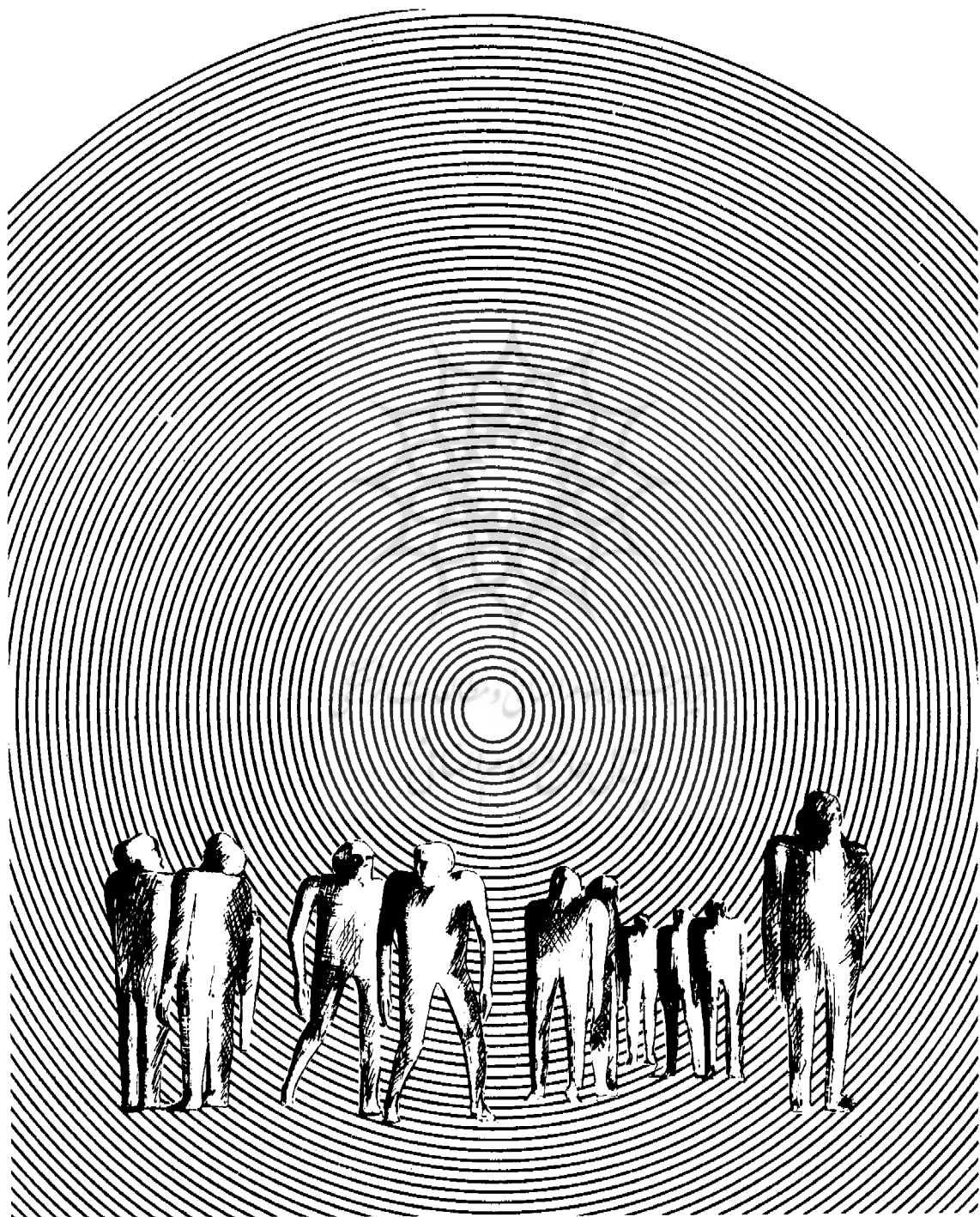


اجتماع تبلیغی در رایوندا^۱

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا





زعم خود مسلمانان را به خود آورده و یا آداب عبادی آنها را اصلاح نموده و غیرمسلمانان را به اسلام دعوت نمایند. تبلیغ آنها از اسلام برای مسلمانان و غیر مسلمانان در حدود اصول و مرامنامه‌ای انجام می‌پذیرد که از سوی رهبران و امیران این جماعت تدوین شده و در شکل و عطف و سخنرانی و یا اجتماع سالیانه و یا از طریق کتب متعارف جماعت به آنها ابلاغ می‌گردد.

در کنار امیران و رهبران سنتی جماعت افرادی تحصیلکرده و بعضاً متخصص به عنوان عضو جماعت تبلیغی مشاهده می‌شوند که براساس منطق جماعت حاضر شده‌اند چند صباحی از عمر خود را وقف خدمت به خدا کنند و با شرکت خود در جماعت و اجتماع سالیانه محنت و سختی بکشند و به قول خودشان ساخته بشوند و آنگاه برای تبلیغ اسلام خدمت کنند. همچنین در ستاد مرکزی و در کنار امیران و رهبران آن افرادی مشاهده می‌شوند که قبلاً سفیر یا ارتشی یا استاد یا کارمند بوده‌اند و به قول خودشان پس از بازنشستگی و فراغت از مشاغل رسمی، آمادگی خدمت در جماعت تبلیغی را پیدا نموده و تمام وقت خود را وقف جماعت کرده‌اند و معتقدند هر فردی وظیفه دارد برای ساخته شدن، در برنامه‌های جماعت حضور یافته و خود را وقف تبلیغ در راه خدا بنماید و این مطلب را حتی رهبران و امیران جماعت در ملاقات و دیدار با افراد دیگر اعلام می‌کنند.^۲ حتی این مطلب گاهی با شخصیت‌های سیاسی شرکت‌کننده در مراسم پایانی اجتماع سالیانه جماعت نیز در میان گذاشته می‌شود مثلاً در اجتماع آبان ماه ۱۳۷۴ (نوامبر ۱۹۹۵) از رئیس جمهور پاکستان آقای لغاری که معمولاً هر ساله در برنامه دعا و مراسم پایانی اجتماع شرکت می‌کند خواسته بودند که برای تبلیغ دین وقت بگذارد.^۳

ستاد مرکزی جماعت تبلیغی در رایوند هر ساله ترتیب برگزاری یک اجتماع بزرگ چند صد هزار نفری یا به قول عده‌ای میلیونی را می‌دهد که افراد و اعضای جماعت که جراید به آنها لقب «فرزندان توحید»^۴ یا «پروانه‌های شمع رسالت»^۵ یا «خدا جویان»^۶ می‌دهند؛ از سراسر پاکستان و شبه‌قاره و سایر نقاط جهان در آن حضور می‌یابند و به قول رهبران جماعت در برنامه‌های محنت‌کشی سه روزه یا بیشتر شرکت نموده، سازماندهی شده، برای انجام مأموریت تبلیغ مجدداً اعزام می‌شوند. محل این اجتماع بزرگ سالیانه در خارج از شهرک رایوند و در دشت وسیع مجاور آن قرار دارد.

۱. موقعیت شهرک رایوند

شهرک رایوند در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرق شهر لاهور و به سمت مرز هند واقع است و اجتماع سالیانه اعضای جماعت تبلیغی در فضای دشت‌مانند

شهر کوچک رایوند که از توابع لاهور است و چندان سیمای زندگی شهری به خود نگرفته است؛ محل استقرار دفتری است که تعلق به امر فرهنگی - دینی - تبلیغی جماعتی دارد که آثار مکتوب و منابع آگاهی‌دهنده درباره آن بسیار اندک است. این دفتر که از ساختمان‌ها و سالن‌ها و چادرهای بزرگ تشکیل شده است، دائماً محل رفت و آمد هزاران انسانی است که معتقدند خود را وقف راه خدا و تبلیغ دین اسلام نموده‌اند. در این دفتر ستادی وجود دارد که یک نفر رییس به عنوان امیر به نام مولانا عبدالوهاب و یک نفر نایب رییس یا نایب امیر به نام مولانا جمشید به همراه جمعی از یاران و مشاوران خود آن را اداره می‌کنند. این دو نفر که ظاهراً تحصیلکرده مراکز علمی سنتی حوزوی می‌باشند سن بالایی دارند و در کمال سادگی و به دور از ظواهر زندگی جدید و در شکل یک زندگی معمولی روستایی عمر خود را سپری می‌نمایند و رهبری جریان فرهنگی - دینی - تبلیغی جماعتی یا جماعت تبلیغی را در کل پاکستان و سایر کشورهای جهان به عهده دارند. در این ستاد مرکزی ظاهراً از دبیرخانه و بخشنامه، تلفن، فاکس، رادیو و تلویزیون، دوربین، نشریه و هر نوع وسیله ارتباطی مشابه خبری نیست ولی از این ستاد مرکزی که هیئت یک ساختمان و اتاق خانه روستایی داشته و با فرش ساده و زیلو و نمد و ابزارهای ساده دیگر آراسته شده است و به جز ارتباط سینه به سینه فاقد هر نوع وسیله ارتباطی دیگری می‌باشد، صدها هزار انسان در داخل و خارج از پاکستان رهبری و هدایت می‌شوند و به شکل صادقانه و ایثارگرانه و بی‌ریا خود را در اختیار برنامه‌ها و مقاصد تبیین شده از سوی امیران و رهبران جماعت گذاشته، سختی‌ها و مشقت‌های سفر و اقامت در رایوند و نیز شرکت در اجتماع سالانه را با جان و دل پذیرا می‌گردند و با هزینه شخصی به نقاط مختلف پاکستان و سایر مناطق جهان سفر نموده، مأموریت تبلیغی خود را انجام می‌دهند تا به

روستای نظام‌الدین به سوریه، عراق، مصر و دیگر کشورها اعزام شدند. پس از مرگ مولانا یوسف، مولانا انعام الحسن، امیری جماعت را به عهده گرفت که او نیز در دهم ژوئن سال ۱۹۹۵م. فوت کرد^{۱۰} و مولانا محمد عمر بالانپوری نامزد امیری جماعت تبلیغی گردید.

همان‌طور که ذکر شد مرکزیت جهانی جماعت تبلیغی تاکنون در نظام‌الدین شهر دهلی بوده است و رهبر و امیر اصلی جماعت نیز در این مکان استقرار دارد. جماعت تبلیغی همه ساله در کشورهای پاکستان، هند و بنگلادش گردهمایی بزرگ تشکیل می‌دهد و اجتماعات هند و بنگلادش بیشتر جنبه داخلی دارند ولی اجتماع رایوند پاکستان از جنبه بین‌المللی برخوردار است و افراد جماعت از سراسر جهان به آن ملحق می‌شوند.

پس از استقلال پاکستان و تقسیم شبه قاره به دو کشور، از آنجایی که مرکز اصلی جماعت در دهلی قرار داشت و بین آنها و میلیون‌ها مسلمان پاکستان غربی و شرقی (بنگلادش کنونی) جدایی می‌افتاد لذا امیر جماعت تصمیم گرفت این حرکت را به طور مستقل در بخش‌های غربی و شرقی پاکستان سازماندهی نماید که در نتیجه آن دو اجتماع بزرگ در رایوند پاکستان و داکای بنگلادش برگزار می‌شود.^{۱۱}

با تلاش مولانا محمد یوسف اولین اجتماع جماعت تبلیغی در پاکستان، دو سال پس از استقلال آن (سال ۱۹۴۹) در محل رایوند برگزار شد که در آغاز، جمعیت کمی در آن شرکت کردند ولی از آن پس سعی گردید هر ساله اجتماع تشکیل و توسعه یابد و تأسیسات دفتر مرکزی و نیز اردوگاه محل اجتماع در زمین‌های تخصیص یافته از سوی یک نفر خیر به نام بابا عبدالله میواتی برپا گردید، به گونه‌ای که امروزه پاسخگوی نیازهای صدها هزار و بلکه ۱/۵ میلیون نفر شرکت‌کننده و در شکل ساده ابتدایی آن می‌باشد.

۳. انگیزه ظهور جماعت تبلیغی

در باب انگیزه ظهور این جریان دلایل و اسنادی در دست نیست که مشخص نماید چرا و چگونه این حرکت پیدا شد و از سوی دیگر آنچه را که به عنوان دلایل ظهور آن بیان می‌شود چندان قانع‌کننده و مستدل به نظر نمی‌رسد. عده‌ای می‌گویند به دنبال نیاز به تبلیغ اسلام در منطقه شبه قاره و هدایت هندوان چنین حرکتی به وجود آمد. از سویی دیگر از قول مولانا الیاس نقل می‌شود که او در سفر دوم خود به مدینه در سال ۱۳۴۴ هجری قمری (ص) را به خواب دیده است که به او گفته است «ما از شما کار می‌گیریم» و تعبیر خواب این بوده است که او مأموریت تبلیغ را دارد. همچنین اظهار شده است که خداوند متعال حقایق را بر مولانا منکشف نمود و به وی فهماند که

وسعی که در فاصله پنج کیلومتری غرب رایوند قرار دارد برگزار می‌شود.

رایوند شهر کوچکی است با معابر بسیار شلوغ و تنگ که هنوز هیئت یک مکان شهری را به خود نگرفته است. دو معبر خیابان‌مانند عمود بر هم امکان تردد از داخل به خارج آن را عملی می‌سازد.^۷ این شهر بیشتر به روستایی بزرگ شبیه است تا به یک مکان شهری، و در کنار آن ایستگاه قطار نیز قرار دارد و امکان انتقال افراد جماعت را برای شرکت در برنامه اجتماع سالیانه فراهم می‌کند.

۲. تاریخچه ظهور و توسعه جماعت تبلیغی

تاریخ دقیق شروع فعالیت تبلیغی جماعت مشخص نیست؛ ولی مقدمات این حرکت به نیمه قرن نوزدهم در منطقه پنجاب شبه قاره برمی‌گردد. در آن زمان کوشش تبلیغاتی برای هدایت اهالی منطقه میوات در پنجاب از سوی کسانی نظیر شاه‌محمد رمضان مهمی و مولوی نورمحمد، مولوی محمد اسماعیل مهمی و مولوی محبوب علی دهلوی انجام می‌پذیرفت که باعث تغییر در عقاید و دین و روش زندگی اهالی آن گردید و آنها به اسلام گرویده، رسوم هندو را کنار گذاشتند. مولوی محمد اسماعیل مقیم ایالت اتارپرداش هند بود و در سال ۱۸۵۷م. به روستای نظام‌الدین اولیا^۸ در حومه دهلی که محل دفن نظام‌الدین اولیا، عارف معروف نیز می‌باشد مهاجرت کرد و مسجد محل را مرکز فعالیت دینی خود قرار داد و با منطقه میوات نیز ارتباط برقرار کرد. او در سال ۱۸۸۹م. فوت کرد و پسرش مولانا محمد کاندهلوی جانشین وی شد و به مدت ۲۱ سال راه پدر را ادامه داد. پس از او مولانا عبدالسبحان میواتی و حاجی عبدالرحمان مسئولیت حوزه را به عهده گرفتند.

در اکتبر سال ۱۹۲۶م. مولانا محمد الیاس که از مدینه برگشته بود به این محل آمد و مسجد مزبور را مرکز فعالیت خود قرار داد و این حرکت را سازماندهی نموده، توسعه داد.^۹ مردم منطقه میوات با او همکاری کردند و او توانست با همکاری یاران خود مساجد و حوزه‌های دینی جدیدی ایجاد کند. پس از مرگ مولانا الیاس، مولانا محمد یوسف به عنوان امیر جماعت برگزیده شد و کار تبلیغ، زیر نظر او گسترش یافت و گروه‌های تبلیغی از



سرمایه‌ای که در انحصار است از دست می‌رود و در اصول عقاید مردم ضعف ایجاد شده و شوق به اجر و ثواب مضمحل گردیده است و باید اقدامی انجام داد. این مکاشفه در وی انقلاب حال ایجاد کرد.^{۱۲}

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که اولاً ساختار فرهنگی، اجتماعی و مذهبی شبه قاره اقتضای ظهور فرقه‌ها و گروه‌ها و مسلک‌های دینی را داشته و افرادی که قابلیت انشاء فکر یا عقیده‌ای داشته‌اند توانسته‌اند در جایگاه رهبری جمعی از سکنه آن به عنوان رهبر دینی یا مذهبی یا عرفانی قرار بگیرند و شبه قاره از چنین جریان‌های فکری و اجتماعی چه در داخل ادیان و مذاهب و چه در خارج از آن، چه در بین مسلمانان و چه در بین غیرمسلمانان نظیر هندوان و سیک‌ها زیاد دارد. نمونه عینی چنین فرقه‌ها و گروه‌هایی را می‌توان در جریانات متصوفه و مذاهب چندگانه اسلامی اعم از سنی و شیعه یافت نمود. ثانیاً در یکی دو قرن اخیر به ویژه در دوره حضور انگلیس‌ها و استعمار شبه قاره و حاکمیت بر آن، فرق و گروه‌های دینی و غیردینی جدیدی نظیر قادیانی، بهائیت، لاهوری و احمدی پیدا شدند که نقش استعمار بریتانیا را در ظهور آنها، با توجه به سیاست‌های فرهنگی خاص آن برای ملل مسلمان و مشرق زمین، نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا از نتیجه عملکرد فرق و گروه‌های مذهبی و اجتماعی در شبه قاره که تشست و ناسازگاری و درگیری‌های فزاینده فرقه‌ای را سبب می‌شود؛ قدرت‌های جهانی به ویژه انگلستان سود می‌بردند، چون به انحطاط درونی سازمان ملت و تداوم فقر و فلاکت و ضعف در شبه قاره، و در نتیجه تداوم حاکمیت آنها منجر می‌شد.

عقاید خاص رهبران و بنیانگذاران جماعت تبلیغی که امروزه به صورت مرمانامه و منشور اعضاء آن در سراسر جهان درآمده و از آن نوعی اسلام بی‌روح و بریده از سیاست و زندگی دنیوی و بی‌تفاوت نسبت به حکومت‌ها و دولت‌ها ارائه می‌دهد و نیز انطباق زمان ظهور و توسعه این گروه و عقاید آن با زمان حضور دولت استعماری انگلیس در شبه قاره باعث می‌شود که انسان نسبت به انگیزه‌های تشکیل آن تأمل نماید؛ زیرا روند و نقش فکری و فرهنگی جماعت تبلیغی به گونه‌ای است که نه تنها

تضادی با سیاست‌های استعماری و دولت‌های حاکم ندارد بلکه نتیجه حرکت فرهنگی بی‌اثر آنها در مسلمانان به نفع این قدرت‌ها تمام می‌شود. اگرچه ممکن است رهبران اولیه و اصلی جماعت تبلیغی و هواداران آن به دلیل ضعف بینش سیاسی، واقعاً از دست‌های پنهان و نتایج سیاسی عملکرد خود بی‌خبر بوده باشند.

۴. عقاید و مرمانامه جماعت تبلیغی

جماعت تبلیغی در مرام خود به اصول شش‌گانه زیر معتقد است:

۱. بازگویی فضیلت کلمه لا اله الا الله و ایمان به کلمه توحید.
۲. فضیلت نماز و اداء آن با خضوع و خشوع.
۳. فضیلت علم و ذکر (استغفار، دعا و صلوات و کلام الله مجید).
۴. فضیلت اکرام مسلم.
۵. خلوص نیت.
۶. تبلیغ و دعوت.^{۱۳}

در کنار این اصول، آنها صفات اخلاقی ویژه‌ای برای اعضاء جماعت تبلیغی قائلند که آنها باید خود را پایبند آن بدانند. این صفات عبارتند از:

۱. دعوت الی الله
 ۲. تعلیم و تعلم (علم فضائل)
 ۳. ذکر و عبادت
 ۴. خدمت به عموم مسلمین
 ۵. کم خوردن
 ۶. کم خوابیدن
 ۷. کم حرف زدن
 ۸. کم از مسجد بیرون رفتن
 ۹. اسراف نکردن
 ۱۰. تقاضای کمک مالی و مادی نکردن
 ۱۱. تمنای دل نکردن
 ۱۲. استعمال مال دیگران را بدون اجازه آنها نکردن
- مرمانامه جماعت تبلیغی شامل اصول زیر است:
۱. نفی دخالت در سیاست و امور حکومتی و فاصله‌گیری از دولت‌ها و حکومت‌ها



نگارنده در جلسات ملاقاتی که با رهبران جماعت تبلیغی داشته، مشاهده نمود که امیر و سایر حضار در جلسه از پرداختن به هر نوع مسئله سیاسی خودداری کرده، از آن طفره می‌روند حتی از مسائل حاد مسلمانان که برای هر مسلمان متعهدی مسئولیت‌آور است.

آنها از پرداختن به مسائل مسلمانان در رنج فلسطین، کشمیر، مصر، بوسنی و نیز مسائل عمومی مسلمانان و ملت‌های اسلامی خودداری می‌کنند و آنها را جزء امور دنیوی می‌دانند که فرد تبلیغی جماعت نباید به آن نزدیک شود. البته اجتماع عظیمی که مرکب از چند صد هزار و گاهی تا یک میلیون نفر نیروی مبلغ ایجاد می‌کنند دل فعالین سیاسی را می‌رباید و لذا سعی می‌کنند به نحوی از آن بهره‌برداری نموده و خود را به جماعت نزدیک کنند. به همین دلیل در مراسم پایانی اجتماع، آنها که به مراسم دعا و ختم برنامه مشهور است، رجال سیاسی پاکستان شرکت می‌کنند. مثلاً در سال ۱۹۹۵ و سالهای قبل از آن رییس جمهوری پاکستان، استاندار و سر وزیر و مقامات ایالت پنجاب، رییس کمیته کشمیر، رهبر جماعت اسلامی پاکستان، رهبران جمعیت علمای اسلام، رهبران سپاه صحابه پاکستان و غیره در آن شرکت نمودند.^{۱۶}

علی‌رغم اینکه رهبران جماعت مدعی‌اند که در سیاست دخالت نمی‌کنند، اما گاهی اوقات ناچار به مسائل سیاسی می‌پردازند. مثلاً در اجتماع سال ۱۹۹۵ دو نفر از سخنرانان بعد از نماز ظهر و مغرب در باب توسعه لامذهبی و اشاعه فرهنگ غرب در بین مسلمانان، دولت‌ها و مردم را مخاطب قرار داده، آن را نتیجه توطئه یهودیان دانستند.^{۱۷} یا اینکه مولانا محمد عمر بالنپوری که ظاهراً رهبر جهانی جماعت تبلیغی است، در مراسم پایانی اجتماع سال ۱۹۹۵ در دعای خود خواستار غلبه پیروان سنت رسول اکرم (ص) بر قدرت‌های صهیونیستی شد.^{۱۸}

به نظر می‌رسد این اجتماع نمی‌تواند در بلند مدت همانند جزیره‌ای مستقل، از مسائل مسلمانان و امور سیاسی برکنار بماند؛ زیرا تلاطم و توسعه مسائل سیاسی در بین مسلمانان و مشکلات روزافزون آنان به گونه‌ای است که خواه و ناخواه هر مسلمان متعهدی را وادار به تفکر و اندیشه می‌نماید. بنابراین صرف‌نظر از انگیزه‌های تشکیل جماعت تبلیغی در گذشته و همچنین با عنایت به

۲. خودسازی بر پایه محنت کشیدن و ریاضت، به عنوان پیش شرط تبلیغ، مطابق روشی که حضرت رسول اکرم (ص) انجام داده است.

۳. دیگر سازی افرادی به روش و عظمت و نصیحت و تحمل سختی در این راه.

۴. قائل بودن به نقش ایمان و حضور قلب در اثر گذاری تبلیغ.

۵. نفی اختلاف بین فرق اسلامی و پرهیز از طرح مسائل تفرقه‌انگیز در جماعت.

۶. آزادی حضور علاقه‌مندان به برنامه‌های جماعت از کلیه فرق اسلامی.

۷. توجه به کفار و احساس تکلیف نسبت به سرتوشت آنها.

۸. پرهیز از تجمل‌گرایی و رعایت ساده‌زیستی و نمونه زندگی و تبلیغی که در زمان حضرت رسول (ص) متداول بوده است.

۹. نفی استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباطی جدید و یا بهره‌مندی از نتایج تمدن جدید نظیر رادیو، تلویزیون، روزنامه، دوربین، تلفن، فاکس و غیره.^{۱۴}

در مجموع به نظر می‌رسد که حدود اعتقادی جماعت تبلیغی از عرفان و تصوّف شبه قاره متأثر است.

نگارنده در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که این گروه دخالت در سیاست و حکومت را شدیداً نفی می‌کند و از پرداختن به مسائل اجتماعی و زندگی مسلمانان و بهره‌مندی از جلوه‌ها و دستاوردهای تمدن جدید طفره می‌رود. آنها به یک سری روش‌ها و ارزش‌های اخلاقی اعتقاد دارند و معتقدند از قبیل آن افراد ساخته می‌شوند و اینکه کفار با روش‌های اخلاقی و موعظه باید به اسلام دعوت گردند. مولانا جمشید که خود نایب امیر و از چهره‌های برجسته جماعت تبلیغی است و پس از استقلال پاکستان و به عنوان مهاجر از هند به رایونند هجرت کرده است؛ می‌گوید: «فعالیت‌های جماعت تبلیغی در هند، دولت جواهر لعل نهرو را نگران کرده بود، لذا او دستور داد در باب فعالیت‌های ما بررسی کنند. آنها پس از مطالعه متوجه شدند که ما با زیرزمین و بالای زمین، یعنی آسمان‌ها کار داریم و با روی زمین کاری نداریم. بنابراین دست از سر ما برداشت و ما را به حال خود گذاشت.»^{۱۵}

این مسئله که این امر به صورت یک واقعیت استوار و فزاینده وجود دارد بهتر است از وجود آن برای مصالح اسلام و حل مسائل مسلمانان بهره‌برداری شود. برای این کار باید این اجتماع سیاسی بشود و انگیزه‌های سیاسی به درون راه یابند تا آستن بار سیاسی شود و تدریجاً قوه سیاسی آن بارور گردد. همچنین می‌توان رهبران و امیران و چهره‌های مؤثر آن در دفتر مرکزی یا تشکل‌های کشورها را نسبت به مشکلات مسلمانان و نیاز زمان و لزوم تحول در باورها و روش‌ها و برنامه‌ها توجیه کرد تا آنها راه را برای سیاسی شدن این اجتماع بزرگ فراهم کنند، چرا که اگر این جماعت انگیزه‌دار برای تبلیغ، سیاسی شود می‌تواند در سراسر عالم اسلام منشأ اثر زیادی باشد.

از ویژگی‌های اعتقادی دیگر جماعت تبلیغی این است که از وسایل جدید بهره‌برداری نمی‌کنند. آنها با استفاده از تلفن، فاکس، تلگراف، تلویزیون، رادیو و ضبط، فیلم و دوربین، روزنامه و امثال اینها مخالفند و در صورتی که چنین ابزارهایی را در محیط اجتماع ببینند، به شدت از آن جلوگیری می‌کنند. کسانی که به نحوی برای تهیه خبر و گزارش و عکس به آنجا مراجعه می‌کنند، مانند روزنامه‌نگاران، باید به‌طور مخفی اقدام کنند، در غیر این صورت مورد بازخواست و احیاناً تنبیه قرار می‌گیرند. مثلاً عوامل انتظامی جماعت که غالباً مجهز به چوب‌های بلند و آماده هستند، در سال جاری از حضور روزنامه‌فروشان در محل اجتماع جلوگیری کردند و یکی از رهبران جماعت در توجیه این مسئله گفته بود: «روزنامه بزرگترین سد راه تبلیغ است، چون ذهن و عقل افراد ما را می‌ریابد»^{۱۹} همچنین آنها مانع از فیلمبرداری شبکه تلویزیونی پاکستان از برنامه حضور رییس جمهوری پاکستان در مراسم جماعت شدند.^{۲۰}

سازماندهندگان، فضای استقرار اردوگاه را با وسایل ابتدایی نظیر چوب، گونی و پوشال آماده نموده و تأسیسات عمومی نظیر آشپزخانه، آب، حمام، فاضلاب و غیره را به صورت ابتدایی و صحرایی ایجاد و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند و تاکنون دولت پاکستان آمادگی خود را برای سازماندهی فضایی قرارگاه اجتماع سالیانه و آماده‌سازی آن به شکل مدرن اعلام داشته است؛ ولی رهبران و امیران جماعت از پذیرش آن خودداری کرده‌اند. به دلیل همین مسئله است که ازدحام جمعیت چندصد هزار نفری یا میلیونی همراه با امکانات ابتدایی و ناکافی، فضای قرارگاه اجتماع را نامطلوب نموده و گرد و خاک، زباله، آلودگی و فقدان بهداشت محیط، توالت‌های روباز، غذا و آب غیربهداشتی زندگی را در چند روز اقامت دشوار می‌نماید. البته به قول مولانا جمشید زندگی کردن در درون چنین فضایی نوعی محنت کشیدن است که برای ساخته شدن افراد و آماده شدن آنها برای تبلیغ لازم است.

امیران جماعت در توجیه این نمونه زندگی در قرارگاه اجتماع رایوند اظهار می‌دارند که این شیوه و سبکی است که از شیوه حضرت رسول (ص) الهام گرفته است و ما باید مطابق آن نمونه در اینجا عمل کنیم.

اگر جریان فکری - فرهنگی جماعت تبلیغی دچار تحول فکری و ساختاری نشود و بخواهد به همین شکلی که تاکنون عمل کرده است، به حیات خود و توسعه فعالیتش ادامه دهد؛ این نگرانی وجود دارد که نتیجه تبلیغات و آموزه‌های آنها اثرات ناخشنودی را در عالم اسلام از خود بجاگذارد که حاصل آن به نفع قدرت‌های جهانی و دشمنان اسلام و مسلمین تمام شود. زیرا آموزه‌های آنان نوعی زهدگرایی منفی را توسعه می‌دهد و به ظهور جماعتی بریده از دنیا و مسائل زندگی مسلمانان و نیز بی‌اثر نمودن قوه محرکه انسان مسلمان می‌انجامد، و راه را برای توسعه فقر و فلاکت مسلمانان و بلعیده شدن آنها از سوی قدرت‌های جهانی و سیاستمداران کهنه کار غرب و شرق و تداوم سلطه‌پذیری فرهنگی و سیاسی آنان هموار می‌نماید. این جریان فرهنگی، انگیزه حرکت؛ مبارزه و کوشش را از مسلمانان سلب نموده و از آنان انتظار دارد از طریق وعظ و نصیحت در حد امرانامه، به مسلمانان برای عبادت و ذکر تذکر دهند و از کفار و مشرکین و دولتمردان برای پذیرش اسلام دعوت به عمل آورند.^{۲۱}

۵. تشکیلات

جماعت تبلیغی فاقد تشکیلات رسمی و مدون شده می‌باشد؛ ولی به نظر می‌رسد تشکیلات سنتی آنها تضمین‌کننده بقای ساختار کلی جماعت و ایجاد ارتباط و مبادله پیام بین دفتر مرکزی در رایوند با افراد جماعت تبلیغی در سراسر جهان است. تشکیلات، در جماعت تبلیغی دو مفهوم دارد و به دو صورت ایجاد می‌شود. صورت اول آن همان چیزی است که بیان شد و در واقع تار و پود اداره مجموعه جماعت تبلیغی را منعکس می‌کند که عبارت است از امیر و نایب امیر مرکزی و رهبر جهانی جماعت که در دهلی مستقر است. پس از او امیر و نایب امیر پاکستان است که در رایوند مستقر می‌باشد. پس از او امرای مناطق و ایالت‌ها در داخل پاکستان و نیز امرای کشورهای دیگر قرار دارند.

در روز دوم و سوم اجتماع انجام می‌پذیرد. یعنی افراد به گروه‌های کوچک چند نفره متشکل شده، زیر نظر یک امیر قرار می‌گیرند و به منطقه محل مأموریت خود اعزام می‌شوند.^{۲۲} منطقه محل مأموریت به تناسب زمانی که فرد در اختیار جماعت می‌گذارد و در چهارچوب نمونه زمانی متعارف و تثبیت شده جماعت، تعیین می‌شود. مدت نمونه زمانی تبلیغ در جماعت فرق می‌کند، یعنی می‌تواند سه روز، ده روز، چهل روز، شش ماه، یکسال و یا تمام عمر باشد. بنابراین با توجه به اینکه فرد جماعتی کدام یک از مقاطع زمانی مزبور را برگزیند برایش محل تبلیغ تعیین می‌شود. آنهایی که مدت کوتاه را برمی‌گزینند، معمولاً برای تبلیغ در لاهور و ایالت پنجاب و یا محل خودشان اعزام می‌شوند؛ ولی آنهایی که مقاطع طولانی‌تر مثلاً شش ماه به بعد را برمی‌گزینند به مناطق دور دست و حتی کشورهای دیگر اعزام می‌شوند. جالب اینکه براساس مرامنامه جماعت کلیه وسایل شخصی مورد نیاز و هزینه‌های ایاب و ذهاب و اقامت و تغذیه و غیره در طول سفر مأموریت و یا برای حضور در اجتماع سالیانه در رایوند بر عهده فرد جماعتی است و او مجاز نیست شخصاً برای تأمین آنها از مردم تقاضای کمک نماید.

افرادی که برای تبلیغ اعزام می‌شوند، موظفند گزارش مأموریت خود را که از آن به «کارگزاری» تعبیر می‌شود، به دفتر مرکزی جماعت در رایوند تحویل بدهند تا بدین وسیله مشکلات کار مشخص شود و نیز تجارب بین افراد مبادله گردد.

البته در اجتماع سالیانه نیز فرصتی برای مبادله تجارب بین افراد جماعت تبلیغی فراهم می‌شود.

۶. محل و مکان اجتماع

همان‌طور که قبلاً اشاره شد مکان اجتماع در فضای دشت مانند غرب شهرک رایوند قرار دارد. این محل به شکل سنتی و به‌طور سنواتی به شعاع حدود دو کیلومتر از مرکز آن سازماندهی فضایی می‌شود و از نظام خاصی تبعیت می‌کند. محل استقرار مهمانان و به عبارتی افراد جماعتی به‌طور منظم به وسیله تیرهای چوبی و گونی آراسته می‌شود و به سلول‌های باز تبدیل می‌گردد که به‌طور متوسط گنجایش ۱۲ نفر را دارد. کف این سلول‌ها را با پوشال می‌پوشانند و افراد در داخل آن رحل اقامت می‌افکنند. منطقه اقامتگاهی بخش عظیمی از فضا را به خود اختصاص می‌دهد و در حاشیه آن دفتر مرکزی اجتماع که محل اقامت امیران جماعت است و نیز چادرهای مهمان کشورهای خارجی و همچنین محل تشکیل شدن و سایر عناصر فضایی مورد نیاز قرار دارد. دوردور منطقه اقامتگاهی را تأسیسات عمومی، آن هم به شکل ابتدایی و به عبارتی صحرایی فراگرفته است.

به نظر می‌رسد پیام‌ها از دفتر مرکزی جماعت در رایوند و یا دهلی نو از طریق این شبکه و به صورت سینه به سینه منتقل می‌شود و راز تجمع سالیانه افراد آنها در موعد مقرر در رایوند (آبان یا نوامبر هر سال) همین شبکه سلسله مراتبی و انتقال سینه به سینه پیام است. چرا که آنها از هیچ وسیله ارتباطی دیگری نظیر تلفن، تلگراف، فاکس، پوستر، آگهی، بخشنامه، نامه، روزنامه، رادیو و تلویزیون و غیره استفاده نمی‌نمایند؛ ولی در عین حال برنامه سالیانه گردهمایی آنها به‌طور منظم برگزار می‌شود و افراد جماعت در سراسر جهان به موقع مطلع شده، در اجتماع حضور می‌یابند و افراد جدیدی را نیز با خود به همراه می‌آورند. ناگفته نماند که دفتر مرکزی جماعت در شهرک رایوند به‌طور دائم در طول سال فعالیت می‌کند و همیشه و به‌طور همزمان چند هزار نفر (حدود پنج‌هزار) به صورت یک جریان جاری با آن ارتباط داشته، در آن حضور دارند و گزارش فعالیت‌های تبلیغاتی یا کارگزاری خود را به اطلاع دفتر مرکزی می‌رسانند و طبق نمونه زمان‌بندی تبلیغی جماعت از آنجا به نقاط مختلف اعزام می‌شوند و خود اینها نیز می‌توانند حامل پیام‌ها بین امیر مرکزی و امرای ایالتی یا کشوری باشند.

۱. امیر جهانی	ظاهراً مولانا بالاپوری	مستقر در دهلی
۲. امیر رایوند در پاکستان	مولانا عبدالوهاب	مستقر در رایوند (لاهور پاکستان)
۳. نایب امیر رایوند	مولانا جمشید	
۴. امیر ایالت یا منطقه	—	—
۵. امیر کشوری در سایر کشورها	برای ایران مولوی عبدالرؤف	مستقر در زاهدان

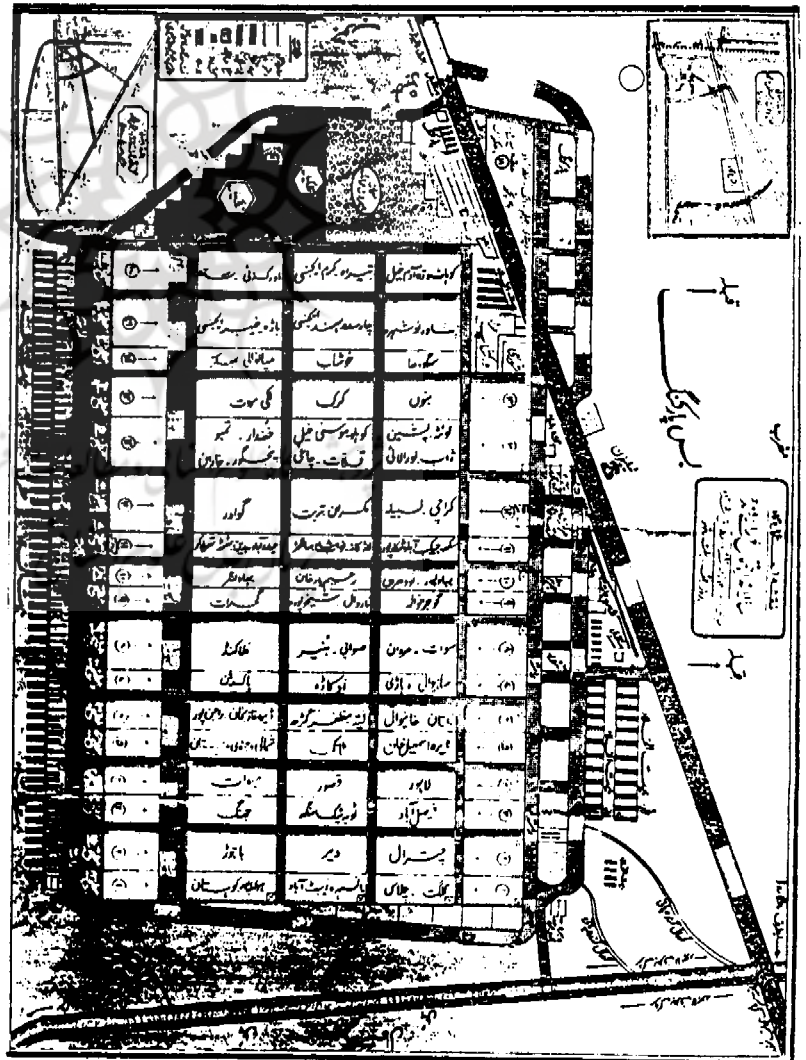
سلسله مراتب تشکیلاتی جماعت تبلیغی

مفهوم و صورت دوم تشکیلات، عبارت است از تشکیل گروه‌های تبلیغی زیر نظر امیر و اعزام آنها جهت مأموریت تبلیغی. این امر که به «تشکیل شدن» معروف است و یکی از اصطلاحات خاص جماعت نیز می‌باشد،

هرگونه اقدامی در درون آن باید با اجازه آنان باشد و گارد ویژه یا مردان مسلح به چوب‌های بلند از آن مراقبت می‌کنند.^{۲۳}

خارج از این محدوده، منطقه آزاد شروع می‌شود. در منطقه آزاد اولین چیزی که به چشم می‌خورد بازار و ردیف‌های فروشگاه مواد و کالاها و غیره است که شرکت‌کنندگان در اجتماع نیازهای خود را از آن تأمین نموده یا سوغات مورد نیاز را خریداری می‌کنند. در این منطقه است که تبلیغات فرقه‌ای نیز مشاهده می‌گردد.

اولین کمربند تأسیساتی اختصاص به معابر عمومی و خیابان خاکی دارد و در ورای آن کمربند تأسیسات تغذیه نظیر طبخ‌خانه، آشپزخانه، نانوايي، رستوران و غیره قرار دارد. پس از آن مجدداً خیابان خاکی و در ورای آن تأسیسات بهداشتی نظیر حمام صحرایی، وضوخانه، شبکه‌های برداشت آب و غیره واقع است. کمربند بعدی توالت‌ها و مکان فاضلاب است. محدوده و قلمرو محل اجتماع ظاهراً در همین جا پایان می‌پذیرد و مدیریت این محدوده به عهده مسئولین جماعت تبلیغی است و



ناگفته نماند که در محدوده تحت کنترل جماعت چیزی دال بر تبلیغات گروهی مشاهده نمی‌شود و بیشتر کتب و آثار مورد تأیید جماعت به فروش می‌رسد.

بعد از کمربند بازار، منطقه پارکینگ شروع می‌شود که محل استقرار تعداد زیادی از اتوبوس‌ها و کامیون‌ها و اتومبیل‌هایی است که امر ایاب و ذهاب افراد جماعتی را از نقاط مختلف پاکستان و یا لاهور به محل اجتماع به عهده دارند.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد مکان و محدوده قرارگاه اجتماع به صورت ابتدایی برای حدود ۱/۵ میلیون نفر^{۲۴} سازماندهی شده و محیط آن آلوده است و بیشتر حالت یک اردوگاه صحرایی دارد و مسئولین جماعت نیز حاضر به زیباسازی و مدرن‌سازی قرارگاه اجتماعی نیستند و تاکنون اعلام آمادگی دولت پاکستان را برای فضاسازی و تجهیز رد کرده‌اند.^{۲۵}

۷. شکل برگزاری اجتماع

اجتماع تبلیغی به صورت یک کنگره یا نشست عمومی هر سال یک بار در آبان ماه برگزار می‌شود و از سال تأسیس آن در پاکستان (۱۹۴۹م)، هیچ‌گونه وقفه‌ای در آن به وجود نیامده است. افراد شرکت‌کننده به غیر از متولیان اجتماع، از سه گروه تشکیل می‌شوند:

۱. افراد جماعتی محلی و علاقه‌مندان به آن از منطقه شهر لاهور و رابونند.

۲. افراد جماعتی از سایر مناطق پاکستان.

۳. افراد جماعتی از سایر کشورها.

هر کدام از این گروه‌ها محل و چادر مشخص در قرارگاه اجتماع داشته و در آن مستقر می‌شوند و قرارگاه چادرهای افراد جماعت تبلیغی سایر کشورها از افراد جماعتی داخل پاکستان مجزا می‌باشد.

تعداد شرکت‌کنندگان در اجتماع به طور دقیق مشخص نیست و گاهی آمار اغراق‌آمیز چند میلیون نفر بیان می‌شود ولی آنچه که نگارنده شخصاً نسبت به برآورد آن در سال ۱۹۹۳م از طریق مطالعه میدانی انجام داد تعداد آنها بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود که اکثر قریب به اتفاق آنها از داخل پاکستان می‌آیند. ولی نکته اینجاست که از این برنامه فزاینده استقبال فراوان می‌شود و همه ساله افراد جدیدی از طریق افراد جماعتی به جمع

آنها می‌پیوندند و برابر بررسی‌های به عمل آمده در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ تعداد آنها نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته است.

در این اجتماع عظیم، افراد جماعتی از سایر کشورها نیز حاضر می‌شوند. در سال ۱۹۹۳ از حدود ۸۳ کشور و در سال ۱۹۹۴ از حدود ۹۰ کشور جهان در این اجتماع شرکت نموده بودند و افراد شرکت‌کننده از کشور ایران حدود ۴۵۰ الی ۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شدند.^{۲۶}

بسیاری را اعتقاد بر این است که اجتماع رابونند دومین اجتماع مسلمانان جهان بعد از مراسم حج بیت‌الله الحرام است^{۲۷}، با این تفاوت که شرکت‌کنندگان در مراسم حج برای انجام تکلیف به مکه مشرف می‌شوند ولی شرکت‌کنندگان در اجتماع رابونند برای توجیه و آماده شدن جهت به دوش کشیدن مأموریت جدید یعنی تبلیغ اسلام و به‌طور عاشقانه به اینجا می‌آیند و داوطلبانه رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند.

اجتماع رابونند به مدت سه روز طول می‌کشد و برنامه آن به شرح زیر است.

روز اول، درس اخلاق؛ روز دوم، آموزش و تعلیم؛ و روز سوم، تشکیل و توجیه شدن و مراسم پایانی و دعا. درس اخلاق روز اول توسط امیر جهانی و یا نایب امیر جهانی جماعت و نیز امیر و یا نایب امیر جماعت در پاکستان بیان می‌شود و شرکت‌کنندگان اعم از باسواد و بی‌سواد به موعظه و نصیحت او گوش فرا می‌دهند.

در برنامه روز دوم که آموزش و تعلیم است، افراد به گروه‌های کوچک و بزرگ تا چند صد نفره تقسیم شده، اطراف یک نفر عالم و روحانی حلقه می‌زنند و به آموزه‌های او که از کتب متعارف جماعت قرائت می‌شود، گوش فرا می‌دهند.

جماعت تبلیغی از ادبیات غنی برخوردار نیست و منابع آن به چند اثر متعارف خلاصه می‌شود که عمده آنها عبارت است از کتاب حیات صحابه، در چهارمجلد که نوشته مولانا محمد یوسف فرزند مولانا محمد الیاس است و کتاب فضایل اعمال، نوشته مولانا محمد زکریا که به فارسی نیز ترجمه شده است.

سخنرانان بیشتر از کتاب فضایل اعمال استفاده می‌کنند و معمولاً آن را برای مستمعین از رو می‌خوانند. در تعالیم این روز تأکید زیادی بر آخرت و ترس از آن انجام می‌گیرد تا افراد تمایل بیشتری به ترک دنیا پیدا کنند. در

این روز داوطلبان تبلیغ برای تشکیل شدن آمادگی خود را اعلام می‌نمایند.

در روز سوم افراد آماده جهت اعزام برای تبلیغ، تشکیل و گروه‌بندی شده و پس از توجیه آماده اعزام می‌شوند.^{۲۸} برنامه پایانی این روز با مراسم دعا و نماز انجام می‌پذیرد. این برنامه توسط امیرجهانی جماعت تبلیغی برگزار می‌شود که در سال ۱۹۹۵م توسط مولانا محمد عمر بالانپوری برگزار شد. مولانا بالانپوری در زمان حیات مولانا انعام‌الحسن نایب امیرجهانی جماعت تبلیغی بود. محورهای اصلی دعای وی را تقاضای آمرزش گناهان از درگاه خداوند متعال، آسانی سختی‌ها و غلبه پیروان حضرت رسول اکرم(ص) بر قدرت‌های صهیونیستی تشکیل می‌داد. رییس جمهوری پاکستان آقای لغاری نیز در این مراسم سخنرانی کرد و از جماعت تبلیغی برای حل مسئله فرقه‌گرایی و بحران کراچی تقاضای همکاری نمود.^{۲۹}

همیشه بعد از نمازهای یومیه در کنار این برنامه‌ها، سخنرانان که عمدتاً از بزرگان یا امیران ارشد جماعت در دهلی یا رایوند یا سایر جاها هستند، به سخنرانی پرداخته، مردم را در زمینه مسائل و فضایل اخلاقی و آخرت و عبادت و دعا و نیایش و نظایر آن موعظه می‌کنند.

همان‌طور که ملاحظه گردید اجتماع جماعت تبلیغی یکی از اجتماعات بزرگ مسلمانان در جهان است که از وجهه بین‌المللی نیز برخوردار می‌باشد. استقرار این امر فرهنگی - دینی در مجاورت شهر لاهور مبین جایگاه و نقش این شهر در مسائل پاکستان و عالم اسلام می‌باشد.

پانوشته‌ها:

۱. این اجتماع به «تبلیغی جماعت» نیز معروف می‌باشد.
۲. نگارنده در ملاقات‌های خود با مولانا جمشید نایب امیر جماعت تبلیغی در رایوند، با طرح این مسئله از سوی نامبرده رویرو شده است.
۳. روزنامه خبرین، لاهور، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵ ص ۱۵.
۴. روزنامه مشرق، لاهور، ۱۳ نوامبر ۱۹۹۵، ویژه‌نامه رایوند.
۵. روزنامه پاکستان، لاهور، ۱۳ نوامبر ۱۹۹۳، روزنامه نوای وقت ۱۴ نوامبر ۱۹۹۳، ویژه‌نامه رایوند.
۶. روزنامه خبرین، لاهور، ۱۳ نوامبر ۱۹۹۵، ویژه‌نامه رایوند.
۷. مشاهدات نگارنده در سالهای ۱۹۹۵ - ۱۹۹۳م.
۸. نظام‌الدین اولیا یکی از عرفای مشهور و بزرگان متصوفه در شبه قاره است که تا اندازه‌ای تحت تأثیر علی بن عثمان هجویری که در لاهور می‌زیسته است، قرار داشت.
۹. روزنامه جنگ، لاهور، ۱۳ نوامبر ۱۹۹۳، ویژه‌نامه رایوند.
۱۰. فاروق، ساجد، روزنامه جنگ، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵، ویژه‌نامه رایوند.
۱۱. در آن زمان بنگلادش و پاکستان مجموعاً یک کشور بود و به

عنوان پاکستان شرقی و پاکستان غربی شناخته می‌شد که پاکستان شرقی بعداً مستقل شده و بنگلادش نام گرفت.

۱۲. اینها اظهارات هواداران و بزرگان جماعت است که به‌طور شفاهی نقل می‌کنند.

۱۳. عاشق الهی، محمد، حروف شش‌گانه، ترجمه غلام محمد سربازی، مکتبه محمدیه، زاهدان، ۱۳۷۱.

۱۴. اصول اعتقادی و صفات اخلاقی و مرامنامه جماعت، توسط مولانا جمشید نایب امیر جماعت تبلیغی پاکستان در اردوگاه اجتماع سالیانه آنها و در جلسه ملاقات با نگارنده اظهار شد. (رایوند، آبان ماه ۱۳۷۲)

۱۵. اظهارات مولانا جمشید در جلسه مزبور.

۱۶. روزنامه مساوات لاهور، روزنامه پاکستان، ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵.

۱۷. روزنامه جنگ لاهور، ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵.

۱۸. روزنامه پاکستان لاهور، ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵.

۱۹. روزنامه جنگ لاهور، ۱۹ نوامبر ۱۹۹۵، روزنامه خبرین، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵.

۲۰. روزنامه خبرین لاهور، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵.

۲۱. اظهارات مولانا جمشید در ملاقات با نگارنده در محل اجتماع سالیانه جماعت تبلیغی، رایوند آبان ماه ۱۳۷۲.

۲۲. گروه‌های مزبور معمولاً شش نفرند.

۲۳. تصویر وضعیت محل اجتماع نتیجه مشاهده عینی نگارنده است.

۲۴. فاروق ساجد، روزنامه جنگ، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵.

۲۵. اظهارات مولانا جمشید نایب امیر جماعت تبلیغی.

۲۶. مشاهدات عینی.

۲۷. روزنامه پاکستان لاهور، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۵.

۲۸. روزنامه پاکستان، ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵.

۲۹. روزنامه پاکستان، ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵.

